



۲۵۸

## اختلاف قرائت یا تحریف قرآن

نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیان

مر قاضی کریمی نیا\*

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی برخی روایات دال بر تحریف قرآن می‌پردازد که متون حدیثی و تفسیری کهن شیعه آنها را به ائمه<sup>ع</sup> نسبت داده‌اند، اما شیخ طوسی نخستین بار در تفسیر خود، در عین رد صریح اندیشه تحریف قرآن، برخی از این روایات را به عنوان توضیحی تفسیری در فهم آیات قرآن به کار گرفته است. نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایات در تفسیر التبیان سبب شده است که مفسران شیعه دنباله‌روی وی مانند طبرسی، بعدها اغلب این اخبار را در شمار روایات «اختلاف قرائت» منسوب به ائمه<sup>ع</sup> و در کنار قرائات سایر قراء مشهور و شاذ ذکر کنند.

کلید واژه‌ها: تفسیر شیعه، شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحریف قرآن، اختلاف قرائت، قرائات ائمه.

اگر از مجموعه روایات پراکنده تفسیری - که به نقل از پیامبر<sup>ص</sup>، علی بن ابی طالب<sup>ع</sup>، ابن عباس و دیگران در متون و مراجع روایی امامیه آمده است - بگذریم، نخستین کوشش تفسیری شیعه را باید به تعالیم امام زین العابدین<sup>ع</sup> و بیشتر از آن، امام باقر<sup>ع</sup> و امام صادق<sup>ع</sup> نسبت داد. آموزه‌های قرآنی و تفسیری این امامان شیعه در قالب روایاتی خاص مکتب شیعه از طریق راویان و اصحاب ایشان نقل شده است. این شیوه تفسیری - که در زمان حیات امامان بعدی تا دوران غیبت صغری ادامه یافته است - عمدتاً بر نقل روایات تفسیری امامان متمرکز است و در آنها، به ندرت به آرای شخصی خود راویان پرداخته می‌شود. برخی از شاگردان مستقیم ائمه<sup>ع</sup> روایات تفسیری ایشان را در اصل‌های خود آورده‌اند که بعدها مورد استفاده دیگر راویان و مدونان تفسیری قرار گرفته است.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران - واحد علوم و تحقیقات.

مهم‌تر از این، باید به برخی از اصحاب ائمه اشاره کرد که تألیف مستقلی در زمینه قرآن، تفسیر یا حتی قرائات قرآن فراهم آورده‌اند.

آغاز ادبیات نوشتاری شیعه را تقریباً می‌توان به اواخر دوره اموی و در میانه قرن دوم هجری نسبت داد. در آن روزگار، ثبت مسموعات حدیثی در دفاتر از سوی راویان حدیث، از جمله راویان شیعی کمابیش آغاز شده بود. اندکی پس از آن نیز تدوین کتاب‌های فرم یافته‌تری درباره علوم قرآنی و فقه هم آغاز شد.<sup>۱</sup> قدیم‌ترین آثار قرآنی و تفسیری شیعه را می‌توان به دو دسته مجزا از نظر زمانی تقسیم کرد: نخست تفسیر شیعه در عصر ائمه (تا آغاز غیبت صغری) و دوم تفسیر شیعه در دوره تدوین (از آغاز غیبت صغرا تا پایان قرن چهارم). مجموعه این دو مرحله را در مقایسه با تحولات تفسیرنگاری شیعه در قرن پنجم در بغداد، می‌توان «تفسیر پیش - طوسی» نامید.

تفسیر شیعه در عصر ائمه ناقلان و حاملان مختلفی داشته است. گاه در میان ایشان برخی از چهره‌های بسیار معروف شیعی را می‌یابیم که تراجم‌نگاران شیعه آنها را در تمام یا بخشی از زندگی‌شان، متعلق به جریان معروف به امامیه نمی‌دانند؛ مثلاً زیاد بن منذر، معروف به ابوالجارود زیدی، ابوالحسن علی بن ابی حمزة البطائنی و ابومحمد حسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی هر دو واقفی، و احمد بن محمد سیاری بصری و محمد بن عیسی بن عبیدالقیطینی از غلات دانسته شده‌اند.<sup>۲</sup> در مقابل، برخی چون جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ق)، ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق) و ثابت بن دینار، معروف به ابوحمزة الثمالی (م ۱۴۸ تا ۱۵۰ق)، از جمله ناقلان تفسیری‌اند که همواره در میان رجالیان شیعه از مدح و تمجید برخوردار شده‌اند.

محتوای تفاسیر شیعه را، چه در عصر ائمه و چه در دوره تدوین، می‌توان به سه بخش مجزا تقسیم کرد: الف. روایات اختلاف قرائات و مصاحف، ب. روایات قرآن‌شناخت یا به اصطلاح، روایات علوم قرآنی، ج. روایاتی که به تفسیر آیات می‌پردازند و ما آنها را در این جا روایات تفسیری می‌نامیم. در دسته نخست، کم‌ترین تعداد روایات تفسیری شیعه جای می‌گیرند و دسته سوم بیشترین حجم روایات را در خود جای داده است. در این نوشتار، تنها به بررسی دسته نخست نیز تلاش شیخ طوسی در برخورد با این روایات خواهیم پرداخت.

۱. میراث مکتوب شیعه...، ص ۱۱.

۲. این گونه انحراف‌های مذهبی در بسیاری موارد، سبب کنار گذاشتن روایات فقهی یا تفسیری چنین کسانی نشده است؛ به عنوان مثال، شیخ طوسی (الفهرست، ص ۵۴) درباره اسحاق بن عمار ساباطی می‌گوید: «وی صاحب یک اصل و نیز طحلی [قابل به امامت عبدالله بن جعفر بن محمد] است؛ با این همه، موثق است و اصل او از کتاب‌های مورد اعتماد ماست». نیز برای نقل روایات تفسیری علی بن ابی حمزة البطائنی در تفاسیر و منابع حدیثی شیعه، ر. ک: میراث مکتوب شیعه...، ص ۲۳۴-۲۳۶. نمونه دیگر ابوالجارود است؛ با آنکه وی از اصحاب امام باقر بود، اما با قیام زید بن علی به وی گرایید و زیدی شده (رجال النجاشی، ص ۱۷۰). طوسی در تفسیر خود، التبیان، تنها روایات وی را از میان روایات شیعه با ذکر نام راری نقل می‌کند. برخی چون آقازکری نهرانی (الذریعة، ج ۴، ص ۲۵۱) معتقدند وی این تفسیر را در زمان استقامتش تدوین کرده است.

۱. قرائات در متون روایی شیعه

با آن‌که سه تن از معروف‌ترین قاریان هفت‌گانه را شیعه دانسته‌اند،<sup>۳</sup> تا پیش از شیخ طوسی نقل قرائات مشهور کم‌اهمیت‌ترین بخش در روایات تفسیری شیعه به شمار آمده است. متون و مراجع شیعه و سنی به بسیاری از امامان شیعه در برخی آیات قرآن، قرائتی خاص، و حتی گاه به برخی از ایشان چون امام صادق علیه السلام مصحفی خاص هم نسبت داده‌اند.<sup>۴</sup> برخی از این قرائات را اصحاب ائمه نقل نکرده‌اند، بلکه ناقل آنها عمدتاً نویسندگان کتب تفسیر و قرائات چون طبری، زمخشری، ابن خالویه، ابوعمرو دانی، و ابن جزری بوده‌اند. مجموعه‌ای از این قرائات خاص ائمه علیهم السلام - که در مراجع و متون تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است - به همت مجیب الرفیعی در قرائات اهل البيت القرآنی گردآوری شده که به نظر بسیار ناقص می‌نماید.<sup>۵</sup> مایر بر - آشیر هم در مقاله‌ای مفضل اغلب روایات شیعی در متون حدیثی کهن امامیه تا عصر کلینی را گرد آورده است که به اختلاف در نحوه قرائت یا کتابت آیهای از قرآن بنابر رأی ائمه اشاره دارند؛<sup>۶</sup> گو این‌که بسیاری از این موارد را می‌توان شأن نزول آیه یا توضیحات تفسیری منقول از ائمه دانست.

هرچه از نخستین سده‌های پس از عصر غیبت به این سو می‌آییم، مفسران شیعه کمتر به نقل قرائات خاص اهل‌بیت علیهم السلام می‌پردازند و در عوض حجم منقولات قرائتی از قاریان مشهور یا حتی شاذ بیشتر و بیشتر می‌شود. در قدیم‌ترین متون مدون تفسیری شیعه - که همگی پیش از دوره شیخ طوسی فراهم آمده‌اند - اشارات فراوانی به نحوه قرائت خاص ائمه در برخی آیات قرآن می‌یابیم. برخی از این موارد به آیاتی مربوط می‌شوند که قرائت منقول، تفاوت معنایی بزرگی ایجاد می‌کنند؛ مثلاً «کنتم خیر ائمة» به جای «خیر امة»<sup>۷</sup> یا «بلغ ما انزل الیک»<sup>۸</sup> [فی علی].<sup>۹</sup> در التبیان نخستین تفسیر کامل شیعه - که به دست شیخ طوسی در قرن پنجم فراهم آمده است - باز هم مواردی از نقل اختلافات قرائات را می‌یابیم؛ با این تفاوت که اولاً این نقل‌ها همراه با نقل قرائات متداول هفت‌گانه

۳. این سه تن عبارتند از: ۱. عاصم بن بهدلة ابی‌النجد الكوفی، (معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۹۵) ۲. حمزة بن حبيب المقرئ الكوفی از اصحاب امام صادق، (الرجال، ص ۱۹۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۷۹) ۳. علی بن حمزة بن بهمن الكسانی. (همان، ج ۱۲، ص ۴۲۸) برای شرحی از احوال ایشان، ر. ک: التبیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۳۰ به بعد.  
۴. تاریخ القرآن، ص ۷۹-۷۸. سخن ابو عبدالله زنجانی در این باره منقول از تفسیر شهرستانی است؛ اما ظاهراً انتساب مصحفی خاص به امام صادق علیه السلام قطعی نباشد. در فصل سوم از مقدمه تفسیر شهرستانی تنها از روایت امام صادق علیه السلام درباره ترتیب نزول سوره‌ها سخن رفته است، ر. ک: مفتاح الأنوار و مصلیح الأثر، ص ۱۲۸-۱۳۳.  
۵. قرائات اهل البيت القرآنی، مجیب الرفیعی، قم: دارالفکر، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳. نیز ر. ک: قرائات ائمه.  
۶. Meir M. Bar-Asher, "Variant readings and additions of the Imāmi-Šīa to the Quran", in *Israel Oriental Studies*, 13 (1993) pp. 39-74.  
۷. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.  
۸. سوره مائده، آیه ۶۷.  
۹. تفسیر النجاشی، ج ۱، ص ۱۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰-۱۱، ج ۲، ص ۲۰۱؛ برای نمونه‌هایی دیگر از این موارد، ر. ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷، ۴۲۲-۴۲۵.

۵۰۶۷

۵۰۶۶

یا ده گانه‌اند و ثانیاً هیچ‌یک از روایات اختلاف قرائات منسوب به اهل بیت، دال بر تحریف یا نقصان آیات نیستند.<sup>۱۰</sup>

### ۲. قرائات در التبیان شیخ طوسی

توجه به نقل قرائات مختلف در التبیان بسیار چشمگیر و غیر قابل قیاس با تفاسیر روایی شیعه پیش از طوسی است. وی نه تنها از قاریان هفت‌گانه معروف نقل می‌کند، بلکه قرائت هفت قاری دیگر<sup>۱۱</sup> را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.<sup>۱۲</sup> افزون بر این، نقل قرائات شاذ یا قرائات منسوب به برخی از صحابه در تفسیر التبیان امری بسیار رایج است.<sup>۱۳</sup> این از آن روست که شیخ طوسی در مقدمه تفسیر خود<sup>۱۴</sup> قصدش را تألیف کتابی حاوی تمام علوم قرآن، و در صدر همه قرائت، می‌شمارد. از همین رو، در جای‌جای این تفسیر، گاه بخشی مجزا با عناوینی چون «القرآءة»، «القرآءة والحجۃ»، یا «القرآءة واللغة» می‌گشاید و در آن به بحث از وجوه مختلف قرائات می‌پردازد. این روش به شکلی منقح‌تر بعدها در تفسیر مجمع البیان ادامه یافته است.

به نظر علامه عسکری<sup>۱۵</sup> ورود تمامی اقوال مربوط به اختلاف قرائات از کتب اهل سنت به متون شیعی دو سبب داشته است: یکی تأثیر غلات با سوء نیت و دوم، کار برخی علما از روی حسن نیت. در قسمت اول، وی مهم‌ترین شیعه غالی و وارد کننده این روایات به متون شیعی را ستیاری<sup>۱۶</sup> می‌داند و در قسمت دوم، مهم‌ترین عالم (با حسن ظن) شیعی را شیخ طوسی می‌شمارد که در التبیان خود با امانت کامل، قرائات را از کتب اهل سنت (مدرسه الخلفاء) نقل می‌کند (همچنان که به برخی از مرویات آنها نیز اعتماد و نقل می‌کند). پس از او، طبرسی، ابوالفتوح رازی، ابوالمحاسن جرجانی (در

۱۰. برای نمونه‌هایی از نقل قرائات منسوب به ائمه در تفسیر التبیان، ر. ک: التبیان ج ۳، ص ۲۹۷. به گفته علامه عسکری (القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۵۱)، طبرسی حتی قرائاتی را از تفاسیر اهل سنت چون زمخشری و قرطبی ذکر می‌کند که در التبیان شیخ طوسی نیامده است. این نکته‌ای بسیار مهم و درخور توجه است؛ اما باید توجه داشت که طبرسی در زمان تألیف مجمع البیان اساساً تفسیر الکشاف زمخشری را ناپدید کرده است (ر. ک: تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸) و تفسیر قرطبی (م ۶۷۱ق) نیز سال‌ها پس از وفات طبرسی نگاشته شده است. بنابراین، نقل‌های طبرسی در مجمع البیان نمی‌توانسته از زمخشری یا قرطبی باشد. به عکس، در آنها مواردی می‌توان یافت که به روشنی بر اخذ از متون و مؤلفان شیعه دلالت دارند؛ مثلاً در مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۹، روایتی از ابن عبده (م ۳۳۲ق) از عریف / غریف بن الرضاح جمعی از امام باقریه در ذیل آیه «فَقَاتِلْ أَیْمَةَ الْکُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَبْیُنَ لَهُمْ مَنَظَرٌ یَنْظَهُونَ» (سوره توبه، آیه ۱۲) آمده که می‌گوید امام بنه آیه را ایمان خوانده است. برای نمونه‌های دیگر، ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۱؛ ج ۷، ص ۲۸۳؛ ج ۸، ص ۹۲؛ ج ۱۰، ص ۲۴۴.

۱۱. این هفت تن عبارت‌اند از: ابوجعفر مدنی، یعقوب بن اسحاق حضرمی، خلف بن هشام بزاز، حسن بصری، ابن مجیشی مکی، سلیمان بن مهران اعمش، و یحیی بن مبارک بزیذی.

۱۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۱۳. منهج الشیخ ابی جعفر الطوسی، ص ۱۶۳-۱۶۵-۱۷۹-۱۸۷.

۱۴. التبیان، ج ۱، ص ۲.

۱۵. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۴۶ به بعد.

۱۶. درباره احمد بن محمد بن سيار (ابوعبدالله الکاتب البصری)، معروف به ستیاری و اثر تفسیری وی به تکلمه پایانی همین مقاله مراجعه شود.

۵۰۶۸

قرن نهم هجری) و محمد بن مرتضی کاشانی (م ۱۱۱۵ق) در تفسیر المعین همین شیوه طوسی را ادامه داده‌اند.

علامه عسکری<sup>۱۷</sup> تفاوت ستیاری با شیخ طوسی را در این می‌داند که طوسی با امانت کامل تمام این اختلاف قرائات را به اصحاب اصلی‌اش نسبت می‌دهد و هیچ چیز از خود نمی‌افزاید، اما ستیاری همواره سندی از پیش خود می‌سازد و همان مطالب را به ائمه اهل‌البیت<sup>۱۸</sup> نسبت می‌دهد؛ گاه نیز از پیش خود چیزی می‌سازد و به ائمه نسبت می‌دهد. علامه عسکری سپس با بررسی روایات اختلاف قرائت نقل شده در التبیان در ذیل آیه «صِرَاطَ الَّذِیْنَ أُنعِمْتَ عَلَیْهِمْ»<sup>۱۸</sup>، نتیجه می‌گیرد که چون طوسی همه‌جا مصادر اختلاف قرائات را از اهل سنت ذکر می‌کند و تنها در یک‌جا با صیغه مجهول می‌گوید: «و روی ذلك عن اهل البيت»، لذا مراد وی در این‌جا ستیاری است که هم لحن شیخ طوسی در این عبارت بر ضعف او دلالت دارد و هم خود وی در کتب رجالی‌اش او را تضعیف کرده است.

این استدلال درست نمی‌نماید. سخن علامه عسکری در صورتی صحیح است که در هیچ جای التبیان سخن صریحی دال بر نقل اختلاف قرائات ائمه نیامده باشد. به عکس، طوسی گرچه روایات شیعه دال بر تحریف و نقصان قرآن کریم را تضعیف می‌کند و هیچ‌گاه این دسته روایات را در تفسیر خود نمی‌آورد، اما منقولات مرتبط با اختلاف قرائات ائمه را از قبیل تحریف نمی‌شمارد. وی در مواضع فراوانی از تفسیر خود، هنگام بحث درباره نحوه قرائت آیه، می‌گوید: «و فی قراءه اهل البيت کذا». نمونه‌های بیشتری از این قبیل را می‌توان در التبیان، ج ۲، ص ۴۴۱؛ ج ۵، ص ۷۲، ۲۶۰، ۳۱۶؛ ج ۶، ص ۲۲۸، ۲۶۲؛ ج ۷، ص ۴۶۱، ۵۱۲؛ ج ۸، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۳۶۵؛ ج ۱۰، ص ۵۲ یافت. تقریباً از هیچ‌یک از این موارد، سخنی دال بر ضعف روایت یا تضعیف راوی به چشم نمی‌خورد.

نکته مهم در چگونگی نقل روایات اختلاف قرائات ائمه<sup>۱۹</sup> در تفسیر التبیان است. مفسران پیش از شیخ طوسی، چون علی بن ابراهیم قمی و عیاشی، و محدثان اخباری پس از وی، تقریباً به اجماع چنین روایاتی را شاهدی صریح بر تحریف قرآن و وقوع تغییر بر خلاف ما انزل الله دانسته‌اند. در مقابل، برخی مفسران شیعه پس از شیخ طوسی، چون طبرسی، ابوالفتوح رازی، و ابوالمحاسن جرجانی این‌گونه روایت را از قبیل اختلاف قرائات دانسته‌اند و اغلب در لابه‌لای مباحث مربوط به قرائات در تفاسیر خود گنجانده‌اند. اما ورود این دسته روایات به التبیان شیخ طوسی تقریباً بی‌نظیر است. این روایات تقریباً همگی در میانه بحث‌های تفسیری التبیان آمده‌اند؛ نه نکات ادبی یا قرآنی. به تعبیر دیگر، شیخ طوسی این دسته روایات ناظر به نحوه قرائت خاص ائمه<sup>۲۰</sup> را هیچ‌گاه در ضمن قرائات معروف قراء هفت‌گانه یا ده‌گانه ذکر نمی‌کند. چنین قرینه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد این دسته روایات از نظر وی صرفاً تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. وی، به ندرت،

۱۷. همان‌جا.  
۱۸. سوره فاتحه، آیه ۷.

۵۰۶۹

تلاش می‌کند که امامان شیعه را در شمار و در کنار قراء معروف بنشانند.<sup>۱۹</sup> یک قرینه مهم این است که طوسی گاه همین عمل را با تعبیر «و فی تفسیر اهل البیت کذا» انجام می‌دهد، و مطلبی را یادآور می‌شود که می‌توانسته در شمار اختلاف قرائت قرار بگیرد، اما، به صراحت، آن را از قبیل تفسیر و بیان آیه می‌داند؛ مثلاً در ذیل آیه «لَهُ مَعْقِبَاتٌ مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»<sup>۲۰</sup> پس از ذکر معانی و بیانات مختلف از مفسران و ادبا، می‌نویسد:

و فی تفسیر اهل البیت ان معناه یحفظونه بأمرالله.<sup>۲۱</sup>

قرائت «بأمرالله» به جای «من امر الله» در متون روایی و تفسیری شیعه بسیار مشهور است. منشأ این سخن روایتی از امام صادق علیه السلام است که علی بن ابراهیم قمی<sup>۲۲</sup> آن را چنین نقل می‌کند: در محضر امام صادق علیه السلام این آیه خوانده شد، امام به قاری فرمود: «مگر شما عرب نیستید؟ چگونه معقبات من بین یدیه (پیشاپیش) می‌تواند باشد؟ معقبات همیشه از پشت سر (من خلفه) است.» مرد گفت: «قذایت شوم، پس این آیه چگونه است؟» فرمود: «آیه چنین نازل شده است: له معقباتٌ من خلفه و رقیبٌ بین یدیه یحفظونه بأمر الله...»

عیاشی<sup>۲۳</sup> روایت مذکور را از برید عجلی<sup>۲۴</sup> به نقل از امام صادق علیه السلام، و ابن شهر آشوب<sup>۲۵</sup> همان را به نقل از حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام، روایت می‌کنند.<sup>۲۶</sup> دیگران چون طبرسی<sup>۲۷</sup> روایت امام صادق علیه السلام را به طور کامل در بحث قرائت تفسیر خود گنجانده و از آن کارکرد صرفاً قرائتی منظور داشته‌اند.<sup>۲۸</sup> طبرسی، به علاوه، می‌افزاید که قرائت «یحفظونه بأمر الله» از علی علیه السلام، ابن عباس،

۱۹. از سوی دیگر، مفاد ظاهری این روایات - که بر تحریف یا تغییر در قرآن دلالت می‌کنند - مورد قبول شیخ طوسی نبوده است. وی در آغاز تفسیر، (التبیانه، ج ۱، ص ۳) به صراحت و به تبع شریف مرتضی می‌گوید که قرآن تحریف نشده و تمام اخبار عامه و خاصه درباره نقصان یا جابه‌جایی آیات قرآن از قبیل احاد است که نه موجب علم است و نه مبای عمل.

۲۰. سوره رعد، آیه ۱۱.  
۲۱. التبیانه، ج ۶، ص ۲۲۸.  
۲۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۶۰.  
۲۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۵.  
۲۴. مقایسه کنید: تفسیر نوو الثقلین، ج ۲، ص ۴۸۶ که روایت عیاشی را از شریک عجلی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.  
۲۵. مناقب آل ائمه طایفه، ج ۳، ص ۳۲۸.  
۲۶. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰ به روشنی این آیه را به شمار مواردی می‌شمارد که در مصحف بر خلاف ما انزل الله ثبت شده‌اند، و محقق بحرانی (المحدثان المتأخره، ج ۱۹، ص ۱۴۴، ۱۴۵) تصریح می‌کند که روایت مذکور به درستی (و علی أصح الأقوال) بر وقوع تحریف در قرآن دلالت دارد. ملامحسن فیض کاشانی (التفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۹-۵۰) نیز با نقل سخنان علی بن ابراهیم قمی بر وقوع تحریف و تغییر در مصحف بافشاری می‌کند. چنین دیدگاه‌هایی در قیاس با نحوه استفاده شیخ طوسی از همین روایت در تفسیر التبیانه، نشان می‌دهد که وی صرفاً از این روایت استفاده تفسیری کرده است تا معنای عبارت «یحفظونه من امر الله» را روشن تر می‌کند. طوسی نه تحریف را می‌پذیرد و نه حتی این روایت از قبیل اختلاف قرائت قلمداد می‌کند.  
۲۷. مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۵.  
۲۸. از میان مفسران اهل سنت، طبری (تفسیر الطبری، ج ۱۳، ص ۱۵۵) بدون اشاره به نام هیچ قاری، تنها می‌گوید کسی یا کسانی «یحفظونه بأمر الله» هم خوانده‌اند. دیگر مفسران شرق عالم اسلام، تقریباً همین سخن را تکرار کرده‌اند. (ر. ک. تفسیر القرائن العظیم، ج ۲، ص ۵۲۲ الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۷) در مغرب اسلامی، ابن عطیة (المعجم الوجیز، ج ۳، ص ۳۰۱) قسمت نخست

عکرمه و زید بن علی نیز نقل شده است.<sup>۲۹</sup>

اکنون باید بررسییم آیا شیخ طوسی هیچ‌گاه از منقولات قرائتی منسوب به ائمه ذکری به میان می‌آورد که در آن، به تفسیر اهل بیت نظر نداشته باشد و تنها بر بیان صرف قرائت تأکید بورزد؟ پاسخ این پرسش مثبت است؛ اما روش طوسی در این موارد، متفاوت از هنگامی است که ضمن تفسیر آیه می‌گوید: «و فی قراءه اهل البیت کذا». چنانچه وی درصدد بیان قرائت صرف باشد، اقوال منسوب به امامان شیعه را با تمایزی چون: «و قرء فلان کذا» یا «و به قرء فلان» در کنار دیگر قرائت می‌آورد. یک نمونه آن ذکر اختلاف قرائت در ذیل آیه «أَفَلَمْ يَأْتِئِسَ الَّذِينَ آمَنُوا...»<sup>۳۰</sup> است که وی می‌نویسد: وَ زَوَىٰ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَرَأَ «أَفَلَمْ يَأْتِئِسَ الَّذِينَ آمَنُوا» مِنَ التَّبْيِينِ، وَ رَوَى مِثْلَهُ عَنِ عَلِيِّ بْنِ رَوَاهِ الطَّبْرِيِّ.<sup>۳۱</sup>

این در حالی است که کمی قبل، شیخ طوسی در بیان معنا و تفسیر آیه می‌گوید: به نظر ابن عباس و برخی دیگر معنای أفلم یأتئس همان أفلم یعلم است.

این نشان می‌دهد در این‌جا صرفاً به نقل قرائت نظر داشته و درصدد بیان تفسیر آیه به نظر ائمه نبوده است؛ چه در آن صورت می‌توانست همان‌جا که دیدگاه تفسیری ابن عباس را آورده، روایت منسوب به ائمه را نیز به عنوان مؤید این معنا ذکر کند.<sup>۳۲</sup>

از قزاین و شواهد فوق، مقایسه روش طوسی با دیگر محدثان و مفسران قبل و بعد او در برخورد با این روایات، و به‌ویژه به کارگیری تمایزی چون «وفی تفسیر اهل البیت کذا»، می‌توان استنباط کرد که شیخ طوسی در تفسیر التبیانه خود راهی برای زدودن روایات تحریف از حوزه تفسیر امامیه گشوده

۳۰. روایت امام صادق را با کمی تغییر، قرائت ابی‌بن کعب می‌داند: «من بین یدیه و رقیب من خلفه» همو از ابو حاتم نقل می‌کند که ابن عباس آیه را چنین خوانده است: «له معقبات من خلفه و رقیب من بین یدیه یحفظونه بأمرالله.» و در آخر می‌گوید قرائت یحفظونه بأمرالله منسوب به علی علیه السلام ابن عباس، عکرمه و جعفر بن محمد است. ابوحیان غرناطی (البحر المحیط، ج ۵، ص ۳۶۴) نام زید بن علی را نیز بر این چهار تن می‌افزاید و ابوزید تمالی (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۳) نیز سخن ابن عطیة را خلاصه وار نقل می‌کند.  
۲۹. تفسیر من امر الله، به بأمیر الله در این آیه ظاهراً در میان ادبا و لغویان قرن دوم هجری امری مقبول و رایج بوده است. ر. ک: کتاب العین، ج ۱، ص ۱۸۰ که می‌نویسد: «و قوله تعالی یحفظونه من امر الله... آی یحفظونه بأمرالله. این تعبیر را در تفاسیر ادبی قرون بعد نیز به وفور می‌توان یافت. از این‌جا می‌توان حدس زد چنانچه روایات قمی و عیاشی از صادقین علیهم السلام در نحوه نزول آیه مجعول برده باشند، جاعل در هنگام وضع به خوبی توانسته است از قول مشهور یا دست‌کم متداول و مسموع در منطقه عراق استفاده کند.  
۳۰. سوره رعد، آیه ۳۱.  
۳۱. التبیانه، ج ۶، ص ۲۵۴-۲۵۵.  
۳۲. سه نمونه دیگر چنین است: قرأ الأعشى و یحیی بن یعمر إلا الفجار أفضب تنسکین السین و ضم الباء و می قراءه علی. الباقون بکسر السین و فتح الباء (التبیانه، ج ۷، ص ۹۶) و قرأ أبو جعفر المدني لَحْرَقَتْ بفتح التون و سکون الحاء و ضم الراء بمعنى لَحْرَدَتْ و روی ذلك عن علی علیه السلام (التبیانه، ج ۷، ص ۲۰۵). قرأ نافع لَأَسْأَلُ بفتح التاء و جزم اللام علی النهی و روی ذلك عن ابي جعفر محدث بن علی الباقري علیه السلام (التبیانه، ج ۱، ص ۴۲۶). نمونه‌های بیشتر در ج ۱، ص ۴۳ و ج ۳، ص ۲۹۷ آمده است. سیاق کلام در تمام این مثال‌ها مباحث ادبی و ذکر اختلاف قرائت است، نه تفسیر آیه.

۵۰۷۱

۵۰۷۱

است و در عین تصریح به عدم وقوع تحریف در قرآن در مقدمه کتاب<sup>۳۳</sup> گاه از برخی از این روایات شیعی، استفاده تفسیری کرده است.

### ۳. کارکرد تفسیری روایات اختلاف قرائت در التبیان

اکنون به تفصیل بیشتر در تفسیر التبیان بررسی می‌کنیم. شیخ طوسی در این موارد هنگام بحث از مدلول و تفسیر آیه، با ذکر روایتی از ائمه<sup>۳۴</sup> - که ظاهراً به تحریف آیه اشاره دارد یا قرائتی خاص ایشان را بیان می‌کند - می‌کوشد معنای آیه را بیان کند؛ نه آن‌که صرفاً قرائتی خاص ائمه ذکر کرده باشد.

۱. در تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»<sup>۳۵</sup> می‌گوید:

وَفِي قِرَاءَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ: وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.<sup>۳۵</sup>

این عبارت وی در سیاق بحث از معنا و مدلول آیه قرار گرفته است. یکی از مباحث مفسران در این آیه آن است که مراد از آل ابراهیم و آل عمران کیست. شیخ طوسی نیز چنین به بحث وارد می‌شود: فإِنَّ قِيلَ مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ؟ قِيلَ: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَالحَسَنُ: هُمُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى دِينِهِ فَيَكُونُ بِمَعْنَى اخْتِصَامِهِمْ بِمِيزَةِ كَانَتْ مِنْهُمْ عَلَى عَالَمِي زَمَانِهِمْ. وَ قِيلَ: آلُ عِمْرَانَ هُمُ آلُ إِبْرَاهِيمَ، كَمَا قَالَ: ذُرِّيَّةُ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ، فَهَمُ مُوسَى وَ هَارُونَ ابْنَا عِمْرَانَ. وَ قَالَ الْحَسَنُ: آلُ عِمْرَانَ الْمَسِيحُ لِأَنَّ أُمَّهُ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ - وَ فِي قِرَاءَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ «وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» - وَ قَالَ أَيْضاً: إِنَّ آلَ إِبْرَاهِيمَ هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ هُمُ أَهْلُهُ وَ قَدْ بَيَّنَّا فِي مَا مَضَى أَنَّ الْآلَ بِمَعْنَى الْإِهْلِ. وَ الْآيَةُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الَّذِينَ اصْطَفَاهُمْ مَعْصُومُونَ مَنْزُحُونَ لِأَنَّهُ لَا يَخْتَارُ وَ لَا يَصْطَفِي إِلَّا مَنْ كَانَ كَذَلِكَ وَ يَكُونُ ظَاهِرُهُ وَ بَاطِنُهُ وَاحِداً فَإِذَا يَجِبُ أَنْ يَخْتَصَّ الْإِصْطِفَاءُ بِآلِ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ عِمْرَانَ مِنْ كَانٍ مَرْضِيّاً مَعْصُوماً سِوَاهُ كَانٍ نَبِيّاً أَوْ إِمَاماً.\*

چنان‌که می‌بینیم، شیخ طوسی در این توضیحات به هیچ روی، از روایت معروف در میان محدثان و مفسران شیعه نام نمی‌برد، بلکه تنها از مفاد آن در بیان مراد آیه استفاده می‌کند. در روایات شیعی، آمده است که امام<sup>۳۶</sup> آیه را چنین خوانده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.

سیس فرمودند:

بخشی از آیه را دیگران از قرآن حذف کرده یا نامی را به جای دیگر قرار داده‌اند.

۳۳. التبیان، ج ۱، ص ۳.

۳۴. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۳۵. التبیان، ج ۲، ص ۴۴۱.

۳۶. التبیان، همانجا.

این روایت را مفسرانی چون فرات کوفی،<sup>۳۶</sup> عیاشی<sup>۳۷</sup> و علی بن ابراهیم قمی<sup>۳۸</sup> از طرق مختلف نقل می‌کنند.<sup>۳۹</sup> فرات آن را از حرمان بن أعین از امام باقر<sup>۴۰</sup>؛ علی بن ابراهیم به نقل از امام کاظم<sup>۴۱</sup>؛ و عیاشی به نقل از هشام بن سالم از امام صادق<sup>۴۲</sup> آورده‌اند. مهم‌تر آن‌که شیخ طوسی خود آن را از طریق دیگر<sup>۴۰</sup> در الامالی<sup>۴۱</sup> نقل می‌کند و در پایان روایت از قول امام صادق آمده است: هكذا نزلت.

۲. در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ»<sup>۴۲</sup>، شیخ طوسی پس از ذکر روایتی از امام باقر و امام صادق<sup>۴۳</sup> می‌گوید:

به فرموده این دو امام، انفال متعلق به خداوند، رسول او و جانشین وی است که هرگونه بخواد در آن تصرف کند. هیچ‌کس در انفال سهمی ندارد. از این دو امام<sup>۴۴</sup> نقل است که غنایم بدر تنها خاص پیامبر<sup>۴۵</sup> بوده. برخی از آن حضرت درخواست کردند تا بدیشان بدهد. از همین رو، در قرائت اهل بیت آمده است: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ». خداوند نیز در پاسخ این درخواست فرموده که انفال تنها مختص او و رسولش است.<sup>۴۳</sup>

اشاره شیخ طوسی به قرائت اهل بیت، مبتنی بر روایاتی است که در تفاسیر پیش از وی ذکر شده است. این روایت در تفسیر نعمانی<sup>۴۴</sup> چنین آمده است:

عن أحمد بن محمد بن عقدة عن جعفر بن أحمد بن يوسف عن إسماعيل بن مهران عن حسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن إسماعيل بن أبي جابر عن أبي عبد الله قال ... قال الله تعالى يسألونك الأنفال قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ، فَحَرَّفُوهَا وَقَالُوا يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ.<sup>۴۵</sup>

بار دیگر تفاوت بیان شیخ طوسی با محدثان یا مفسرانی از شیعه - که این روایات را ظاهراً پذیرفته‌اند - مشهود است. از سوی دیگر، چون این قرائت (با حذف «عن») از برخی صحابه چون

۳۶. تفسیر القرآت التکوئی، ص ۷۸.

۳۷. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳۹. این مقولات بعدها در مجموعه‌های روایی و تفاسیر مأثور شیعه فراوان ذکر شده است. ر.ک: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۴، ج ۳۲، ص ۲۲۲ و ۲۲۵، ج ۸۹، ص ۵۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۳۳۰.

۴۰. وفیام قال حدثني محمد بن عيسى بن هارون، قال حدثني ابو عبد الصمد عن أبيه عن جده - و هو إبراهيم بن عبد الصمد بن محمد بن إبراهيم - قال سمعت جعفر بن محمد<sup>۴۱</sup> يقول كان يقرأ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ». قال هكذا أنزلت (الامالی، ص ۳۰۰). این روایت با همین اسناد در بشارة المصطفی، ص ۳۰۵ آمده است.

۴۱. ص ۳۰۰.

۴۲. سوره انفال، آیه ۱.

۴۳. التبیان، ج ۵، ص ۷۱-۷۲.

۴۴. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰۰.

۴۵. نیز ر.ک: بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۱۴ که روایتی با مضمون مشابه را از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند. به جز این، در کتاب القرآیات سیاری (ر.ک: القرآن الکریم و روایات المدوستان، ج ۳، ص ۴۰۴) سه روایت دیگر آمده که مضمون آنها تقریباً مشابه، اما روایان متفاوتی دارند.

۵۵۷۲

۵۵۷۲

سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود نیز نقل شده است،<sup>۲۶</sup> طبرسی در بحث مستقل خود با عنوان «القرآنة»<sup>۲۷</sup> تمامی این افراد را در کنار هم می‌نماید و چنین می‌نویسد:

قره این مسعود و سعد بن ابی وقاص و علی بن الحسین و ابوجعفر محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و طلحة بن مصرف: یسألونک الأنفال.<sup>۲۸</sup>

از این جا برمی آید که نحوه رفتار شیخ طوسی در برخورد با روایات تحریف، پس از وی و به دست طبرسی منجر به تثبیت این اقوال به عنوان قرائات اهل بیت شده است.

۳. در بیان آیه «يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جُنْدُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْتَلَفَ عَلَيْهِمْ»<sup>۲۹</sup>، شیخ طوسی می‌نویسد: و فی قراءۃ أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين.<sup>۵۰</sup>

این سخن، مضمون روایتی کهن است که تمامی تفاسیر متأخر روایی شیعه، آن را از مجمع البیان و گاه تفسیر المصنف نقل کرده‌اند.<sup>۵۱</sup> در این میان، تنها مجلسی است که آن را از مأخذی کهن‌تر نیز نقل می‌کند. وی می‌نویسد:

من در رساله‌ای قدیمی به سند جعفر بن محمد قولوبه از سعد بن عبدالله الأشعری التمی ... از امام صادق علیه السلام دیده‌ام که مضمون آن در باب تحریف در آیات برخلاف ما انزل الله است. در شما روایاتی که وی از این رساله نقل می‌کند، یکی همین است که مردی این آیه را بر امام صادق علیه السلام خواند: «جُنْدُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ». امام فرمود: آیا دیده یا شنیده‌اید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با منافقین جنگیده باشد. پیامبر با تألیف قلوب منافقان را گرد خود می‌داشت [إِنَّمَا كَانَ يَتَأَلَّفُهُمْ]. خداوند - عزوجل - در این جا فرموده است [وَإِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ]: جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ.<sup>۵۲</sup>

این بیان نشان می‌دهد که اغلب عالمان شیعه روایت فوق را از قبیل تحریفات قرآن یا دست‌کم در شمار اختلاف قرائات می‌دانسته‌اند؛ اما شیخ طوسی در البیان، بی‌آن‌که روایت را رد کند یا از قبیل آحاد بشمارد، از آن به گونه تفسیری استفاده می‌کند؛ یعنی کارکرد این روایت از نظر وی صرفاً

۲۶. زجاج (ر. ک: سعد السعدي، ص ۲۷۵) و نخاس (معاني القرآن، ج ۳، ص ۱۳۷) این قرائت را از ابی سعد بن ابی وقاص دانسته‌اند و طبری (جامع البیان، ج ۹، ص ۲۳۲) و زمخشری (الکشاف، ج ۲، ص ۱۶۱) آن را به ابن مسعود نسبت داده‌اند.  
۲۷. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۲۳.

۲۸. به درستی معلوم نیست که مأخذ سخن طبرسی در انتساب این قرائت به امامان مختلف شیعه و نیز زید بن علی چه بوده است. عجیب این‌که ابن عطیة اندلسی (المحرر الوجيز، ج ۲، ص ۴۹۶) نیز این قرائت را عیناً به همین افراد و نیز به عکرمه، خجاک و عطا نسبت می‌دهد (سخن وی بعدها در البحر المحیط، ج ۴، ص ۴۵۳ تکرار شده است). از آن‌جا که ابن عطیة و طبرسی به فاصله دو سال (۵۲۶ و ۵۲۸) یکی در شرق و دیگری در غرب عالم اسلامی از دنیا رفته‌اند، یافتن مأخذ مشترک ایشان در این مورد و دیگر جاها می‌تواند برخی تاریکی‌های تاریخ تفسیر را روشن کند.

۲۹. سوره تحریم، آیه ۹.  
۵۰. البیان، ج ۱۰، ص ۵۲.

۵۱. برای نمونه، ر. ک: تفسیر المصنف، ج ۱، ص ۳۰۱؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۹، ج ۱۰، ص ۶۳؛ جوامع الجامع، ج ۲، ص ۸۰؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۴۲؛ التفسیر الصالحی، ج ۲، ص ۳۵۸ و ج ۵، ص ۱۹۷؛ التفسیر الأصفي، ج ۱، ص ۲۷۹ و ج ۲، ص ۱۳۳۵؛ تفسیر نورالتلین، ج ۲، ص ۲۴۱ و ۲۴۲ و ج ۵، ص ۳۷۵.

۵۲. بحار الأنوار، ص ۶۰ به بعد به ویژه ص ۶۶.

تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. این امر از مقایسه تعبیر وی در این جا با تفسیر المصنف، مجمع البیان، التفسیر الصالحی و التفسیر الأصفي و تفسیر نورالتلین بیشتر روشن می‌شود.<sup>۵۳</sup> عبارات شیخ طوسی<sup>۵۴</sup> در تفسیر این آیه چنین است:

قيل: معناه جاهد الكفار بالقتال والحرب، والمنافقين بالقول الذي يردع عن القبيح لا بالحرب إلا أن فيه بذل المجهود، فلذلك سماه جهاداً و في قراءة أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين لأنه - صلى الله عليه وآله - كان يُجاهد الكفار و في عسكره جماعة من المنافقين يقاتلون معه.<sup>۵۵</sup>

۴. در ذیل آیه «وَعَلَى الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ...»<sup>۵۶</sup>، در بحث از این‌که این سه تن چه خلاف یا تخلفی کرده‌اند، طوسی اقوال مختلفی ذکر می‌کند و در پایان می‌نویسد:

و فی قراءۃ أهل البيت: خَالَفُوا لِأَنَّهُمْ لَوْ خَلَفُوا لَمَا تَوَجَّهَ عَلَيْهِمُ الْعِتَبُ.<sup>۵۷</sup>

این نیز روایتی معروف است که در میان تفاسیر کهن شیعی ظاهرأ نخستین بار علی بن ابراهیم قمی آن را آورده است.<sup>۵۸، ۵۹</sup> روایت مذکور به نقل از امام کاظم علیه السلام (العالَم) کمابیش در تفاسیر بعدی نیز انعکاس یافته است.<sup>۶۰</sup> در این میان، نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایت با شیوه نقل آن در مجمع البیان بسیار متفاوت است. شیخ طوسی، به صراحت، از این روایت در بیان مفاد و تفسیر آیه بهره می‌گیرد؛ نه آن را دال بر تحریف قرآن می‌داند و نه حتی مضمون روایت را از قبیل اختلاف قرائات می‌شمارد.<sup>۶۱</sup> به عکس، طبرسی<sup>۶۲</sup> در میانه مباحث مربوط به اختلاف قرائات می‌نویسد:

امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق علیهم السلام و ابو عبد الرحمن سلمی این آیه را خالفوا خوانده‌اند.<sup>۶۳</sup>

۵۳. ر. ک: موارد مذکور در بانوشت قبل‌های پیشین.  
۵۴. البیان، همان‌جا.

۵۵. این دسته از مفسران در بیان خود غالباً بر الفاظ روایت (قرأ الامام هكذا، هكذا نزلت) تأکید می‌کنند، اما شیخ طوسی به معنای روایت اشاره می‌کند که توضیح و تفسیری بر آیه است.

۵۶. سوره توبه، آیه ۱۱۸.

۵۷. البیان، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۵۸. تفسیر المصنف، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۵۹. الکافی، ج ۸، ص ۳۷۸ شکل دیگری از همین روایت علی بن ابراهیم قمی را آورده است که مضمونش ضد شیعی و همراه با مذمت سه خلیفه نخستین دارد (نیز، ر. ک: بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۵۸). این روایت با اندکی تفاوت در تفسیر المصنف (ج ۲، ص ۱۱۵) نیز آمده است. روایت مذکور در الکافی چنین است: اعلى بن ابراهيم، عن صالح بن السندي، عن جعفر بن بشير، عن فيض بن المختار قال قال: ابو عبد الله كيف تقرأ و على الثلاثة الذين خلفوا؟ [ثم] قال: لو كان خلفوا فتكلموا في حال طاعة و لكنهم خلفوا عثمان و صاحبه. أما والله ما سمعوا صوت حافر و لا قعقة حجر إلا قالوا آتينا فسأط الله عليهم الخرف حتى أصبحوا (مقاييس كتبت: العداق الناهرة، ج ۸، ص ۱۰۳).

۶۰. تفسیر الصالحی، ج ۲، ص ۳۸۵؛ تفسیر الأصفي، ج ۱، ص ۴۹۶؛ نورالتلین، ج ۲، ص ۲۹۷.

۶۱. در چنین مواردی، تعبیر «و فی قراءۃ أهل البيت كذا» در البیان نباید ما را به اشتباه اندازد. وی، به عکس طبرسی، این تعبیر را در کنار اقوال قاریان مختلف نمی‌آورد، بلکه غالباً هنگام بیان مراد و تفسیر آیه از آن استفاده می‌کند.

۶۲. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۳۵.

۶۳. از میان مفسران اهل سنت، نخاس (۳۳۸ق) در معانی الترفیح، ج ۳، ص ۲۶۵) می‌نویسد: «و روی عن جعفر بن محمد أنه قرأ»

۵۰۵

۵۷۴

۵. در باب آیه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ»<sup>۶۲</sup>، شیخ طوسی می‌گوید:  
والمعنى جاءت سكرة الحق بالموت وهى قراءة أهل البيت.<sup>۶۵</sup>

این نحوه بیان نشان می‌دهد که شیخ طوسی از روایتی معروف - که دیگر مفسران شیعه آن را نشانه تغییر و تحریف<sup>۶۶</sup> یا اختلاف قرائت منسوب به ائمه<sup>۶۷</sup> دانسته‌اند - کارکردی دیگر ساخته است. وی به روشنی تصریح می‌کند که معنای آیه این‌گونه است و گویی در آیه، قلب روی داده است. به نظر وی، این امر هم در زبان عربی و هم در خود قرآن نمونه‌های دیگر دارد؛ چنان‌که در آیه «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»<sup>۶۸</sup>، برخی گفته‌اند معنای آیه «لِكُلِّ كِتَابٍ أَجَلٌ» است.<sup>۶۹</sup>

۶. در تفسیر آیه «فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهِمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَن لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ»<sup>۷۰</sup>، شیخ طوسی پس از ذکر اقوال مختلف در باب معنای آیه، می‌نویسد:

و فى قراءة أهل البيت فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. [یعنی پس از فروافتادن سلیمان، مردم دریافتند که چنانچه جنیان علم غیب داشتند، در چنان عذاب خوارکننده‌ای نمی‌مانندند.] قالوا لَأَنَّ الْجِنَّ كَانَتْ تَعْلَمُ أَنهَا لَا تَعْلَمُ الْغَيْبَ قَبْلَ ذَلِكَ وَإِنَّمَا تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ ذَلِكَ مِنْ حَالِ الْجِنِّ.<sup>۷۱</sup>

این تفسیر شیخ طوسی برگرفته از روایاتی شیعی است که در اغلب آنها از قول امام<sup>۷۲</sup> آمده است که جنیان خود از پیش می‌دانستند که علم غیب نمی‌دانند. لذا پس از این واقعه چیزی بر آنان روشن نشد. این غیرجنیان، یعنی انسیان بودند که نادانی جنیان برایشان معلوم شد. نمونه‌ای از روایات شیعی در منابع روایی و تفسیری که شیخ صدوق نیز آورده، چنین است:

احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی قال: حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن علي بن

«خالفوا» ابن سخن عیناً در الجوامع لأحكام القرآن (ج ۸، ص ۲۸۲) نقل شده است که نشان می‌دهد وی اساساً به مجمع البیان نظر نداشته است؛ اما از همه جالب‌تر سخن این جوزی در زاد المسیر (ج ۳، ص ۳۲۸) است که همین قرائت را به چهار فرد غیر معروف در زمینه قرائات نسبت می‌دهد: ابوزین، ابومجلو، الشعی، ابن یعمر.

۶۴. سوره ق، آیه ۱۹.  
۶۵. البیان، ج ۶، ص ۲۴۲؛ فس همان، ج ۹، ص ۳۶۵ که در آنجا، این قرائت را به ابن مسعود نیز نسبت می‌دهد. ابن حجر عسقلانی (فتح الباری، ج ۹، ص ۲۴) هم این قرائت را به ابوبکر، طلحة بن مصرف و امام زین العابدین<sup>۷۳</sup> نسبت می‌دهد.  
۶۶. علی بن ابراهیم قمی (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۴) می‌گوید: «و جاءت سكرة الموت بالحق قال نزلت جاءت سكرة الحق بالموت».

۶۷. طبرسی (مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۲۷) می‌نویسد: «القراءة: فى الشواذ قراءة أبي بكر عند خروج نفسه: وجاءت سكرة الحق بالموت. وهى قراءة سعيد بن جبیر وطلحة ورواه أصحابنا عن أئمة الهدى<sup>۷۴</sup>». روشن است که طبرسی این مطلب را نه در بیان معنای آیه، بلکه در ضمن بحث جداگانه «القراءة» آورده است. فیض کاشانی (التفسیر الصافی، ج ۵، ص ۶۱) و حویزی (تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۱۱) نظر علی بن ابراهیم قمی و نقل طبرسی را در کنار هم ذکر می‌کنند.

۶۸. سوره رعد، آیه ۳۸.

۶۹. البیان، ج ۶، ص ۲۴۲.

۷۰. سوره سبأ، آیه ۱۲.

۷۱. البیان، ج ۸، ص ۳۸۴.

معبد، عن حسين بن خالد، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد<sup>۷۵</sup>... ثم قال والله ما نزلت هذه الآية هكذا، وإنما نزلت فلما خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ الْجِنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.<sup>۷۲</sup>

مجلسی<sup>۷۳</sup> نیز به نقل از تفسیر نعمانی از امام علی<sup>۷۴</sup> نقل می‌کند که این آیه از محرفات قرآن است و اصل آن چنین بوده است: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.<sup>۷۴</sup> وی از تفسیر علی بن ابراهیم قمی، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن ابان بن عثمان، عن ابی بصیر عن ابی جعفر... روایتی نقل می‌کند<sup>۷۵</sup> که سند آن در تفسیر علی بن ابراهیم قمی<sup>۷۶</sup> ابن ابی عمیر از هشام از امام صادق<sup>۷۷</sup> آمده است. همو<sup>۷۷</sup> می‌نویسد:

من در رساله‌ای قدیمی به سند جعفر بن محمد قولویه از سعد بن عبدالله الأشعری القمی... از امام صادق<sup>۷۸</sup> دیده‌ام که مضمون آن در باب تحریف در آیات برخلاف ما انزل الله است. در شمار روایاتی که وی از این رساله نقل می‌کند، یکی همین است که مردی این آیه را بر امام صادق<sup>۷۹</sup> خواند. امام فرمود: جنیان که خود می‌دانستند علم غیب نمی‌دانند، راوی پرسید: پس این آیه چگونه است؟ امام فرمود: آیه را خدایوند چنین نازل کرده است: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ لَوْ كَانِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.

قرائت فوق و انتساب آن به صحابه در برخی منابع کهن اهل سنت نیز آمده است؛ قدیم‌ترین نمونه از آن عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) است که می‌نویسد:

تعمّر عن أيوب عن عكرمة قال... ثم قال: و فى بعض الحروف تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.<sup>۷۸</sup>

مراد از «حروف» در اصطلاح علوم قرآنی همان وجوه مختلف قرائت است. نحاس (م ۳۳۸ق) هم این قرائت را به نقل از قتاده به مصحف عبدالله بن مسعود چنین نسبت می‌دهد:

تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.<sup>۷۹</sup>

بعدها حاکم نیشابوری<sup>۸۰</sup> به نقل از عطاء بن السائب از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می‌کند که وی آیه را چنین می‌خوانده است:

تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنَّ الْجِنَّ لَا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ.

۷۲. هلال الشریع، ج ۱، ص ۷۳-۷۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۷۳. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۶۹-۷۰.

۷۴. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۷۹.

۷۵. عیناً در تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۲۶.

۷۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۸-۲۰۰.

۷۷. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۶۰-۶۱.

۷۸. تفسیر الصنعانی، ج ۳، ص ۱۲۸.

۷۹. معانی القرآن، ج ۵، ص ۴۰۵.

۸۰. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۵۷۷

۵۷۷

و دست آخر، ابن ندیم<sup>۸۱</sup> این قرائت را به ابن شنبوذ (۳۲۸ق) نسبت می‌دهد.<sup>۸۲</sup> بار دیگر، این نمونه و نحوه نقل قرائت منسوب به ائمه<sup>علیهم‌السلام</sup> در التبیان نشان می‌دهد که شیخ طوسی نه مانند مفسران و محدثان اخباری این روایات را نشانه تحریف قرآن دانسته و نه به کلی از ذکر این روایات خودداری ورزیده است. عمل او در استفاده تفسیری از مضمون برخی از این روایات مهم‌ترین ویژگی تفسیری التبیان در بیان روایات تحریف یا اختلاف قرائات منسوب به ائمه<sup>علیهم‌السلام</sup> است. با توجه به نظریه شیخ طوسی مبنی بر عدم تحریف قرآن - که در ابتدای تفسیر خود<sup>۸۳</sup> و به تاسی از شریف مرتضی آن را مطرح می‌کند - باید نتیجه گرفت که از نظر شیخ طوسی نقل اختلاف قرائات، چه از جانب قاریان معروف هفت‌گانه و ده‌گانه و چه منسوب به ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> نمی‌توانسته دال بر تحریف قرآن باشد. یک سده بعد، امین‌الاسلام طبرسی تمام این روایات را در بخش اختلاف قرائات تفسیر خود مجمع البیان علوم القرآن گنجانده است.

#### تکمله: درباره سیاری و کتاب القراءات وی

کتاب القراءات از احمد بن محمد بن سیتار (ابوعبدالله الکاتب البصری)، معروف به سیاری است.<sup>۸۴</sup> طوسی این اثر وی را کتاب القراءه<sup>۸۵</sup> می‌نامد. تقریباً تمام رجالیان شیعه در تضعیف وی - که از اصحاب امام هادی<sup>علیه‌السلام</sup> و امام حسن عسکری<sup>علیه‌السلام</sup> به شمار می‌آید<sup>۸۶</sup> - متفق‌القول‌اند. از تاریخ ولادت و وفات او به درستی اطلاعی در دست نیست. تنها این حجر<sup>۸۷</sup> وفات وی را در اواخر قرن سوم هجری دانسته است. این تاریخ کمی نادرست می‌نماید؛ زیرا اولاً محمّد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ق) در بصائر الدرجات و احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق) در المحاسن با واسطه و گاه بدون واسطه از او نقل می‌کنند. ثانیاً بنا به نقل طوسی<sup>۸۸</sup> وقتی در نامه‌ای از امام جواد<sup>علیه‌السلام</sup> (۱۹۵ - ۲۲۰) درباره سیاری پرسیده می‌شود، ایشان می‌فرمایند:

او در جایگاهی که برای خود ادعا می‌کند قرار ندارد؛ به او چیزی نپردازید.

این نقل چنانچه صحیح باشد،<sup>۸۹</sup> نشان می‌دهد که سیاری در زمان وفات امام جواد<sup>علیه‌السلام</sup> به سال

۸۱. الفهرست، ص ۳۴.
۸۲. مقایسه کنید: الکافی و الألفاظ، ج ۱، ص ۲۳۲ که با نقل این قرائت از ابن شنبوذ، به عکس دیگران وی را بسیار مدح می‌کند.
۸۳. التبیان، ج ۱، ص ۳.
۸۴. رجال النجاشی، ص ۸۰.
۸۵. الفهرست، ص ۶۶.
۸۶. ابن ادریس حلی در السرائر (ج ۳، ص ۵۶۸) وی را، به اشتباه، از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> به شمار می‌آورد. این اشتباه بعدها در جواهر الکلام (ج ۱۳، ص ۲۷۶) هم تکرار شده است.
۸۷. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۵۲.
۸۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵.
۸۹. علت تردید در صحت انتساب این نامه به امام جواد<sup>علیه‌السلام</sup> آن است که هیچ‌یک از رجالیان امامی از هم عصری وی با امام جواد<sup>علیه‌السلام</sup> سخن نگفته، اما غالباً بر مصاحبت او با امام هادی<sup>علیه‌السلام</sup> و امام عسکری<sup>علیه‌السلام</sup> تصریح کرده‌اند.

۲۲۰ هجری باید در سنی بالا (دست‌کم سی ساله) باشد تا بتواند با ادعای مرتب‌های قابل قبول در دانش، مرجع دریافت وجوهات از مردم باشد.

طوسی<sup>۹۰</sup> و نجاشی<sup>۹۱</sup> به‌جز این، اثر دیگری با عنوان ثواب القرآن را نیز به وی نسبت می‌دهند. کتاب القراءات را گاه برخی با نام التزیل و التحریف هم خوانده‌اند؛ از جمله حسن بن السلیمان حلی در مختصر بصائر الدرجات (ص ۲۰۳). کتاب القراءات بنا به نقل حاجی نوری<sup>۹۲</sup> و آقابزرگ تهرانی<sup>۹۳</sup> در دست بسیاری از عالمان شیعه بوده و برخی از ایشان به رغم تضعیف وی، از او بسیار نقل کرده و گاه بر آنها اعتماد کامل داشته‌اند؛ از جمله کلینی در الکافی، ابن ادریس در مستدرکات السرائر<sup>۹۴</sup> و محمّد بن عباس بن ماهیار در تفسیرش (با عنوان ماتزل من القرآن فی أهل البيت).

چنان‌که در بالا گذشت، محمّد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ق) در بصائر الدرجات و احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق) در المحاسن نیز از او فراوان نقل کرده‌اند. حاجی نوری<sup>۹۵</sup> آقابزرگ<sup>۹۶</sup> از دیگر محدثان و اصحاب ائمه چون حمیری [عبدالله بن جعفر م. بعد از ۲۹۷] و ابوعلی اشعری [احمد بن ادریس قمی م. ۳۰۶]، موسی بن الحسن اشعری و حسین بن محمّد بن عامر نیز نام می‌برند.

در میان متأخران، به‌جز حاجی نوری در مستدرک الوسائل، در حاشیه‌المدارک نیز منقولات فراوانی از آن آمده است. در سال‌های اخیر، محمّدعلی امیرمزمزی و [تان کلپرگ کوشیده‌اند این کتاب را بر اساس چند نسخه خطی تصحیح، و در انتشارات بریل (لایپن) منتشر کنند؛ اما به نظر می‌رسد کتاب هنوز آماده انتشار نیست.<sup>۹۸</sup>

محتوای منقولاتی که از کتاب القراءات سیاری، در لابه‌لای آثار دیگر عالمان شیعه به دست ما

۹۰. الفهرست، ص ۶۶.
  ۹۱. رجال النجاشی، ص ۸۰.
  ۹۲. نیز، رک: الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.
  ۹۳. حاشیه، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۴.
  ۹۴. الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.
  ۹۵. ذکر این نکته لازم است که هیچ‌یک از نقل‌های کلینی در کتاب الکافی و ابن ادریس در کتاب السرائر از روایات سیاری، به حوزة تفسیر و قرائات قرآن مربوط نیست.
  ۹۶. حاشیه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۴.
  ۹۷. الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.
  ۹۸. مقاله‌ای که در پایان سال ۲۰۰۵م، در مجله آسیایی (Journal asiatique) چاپ شده، در واقع مقدمه‌ای است که این دو مصحح به زبان فرانسوی بر متن کتاب نگاشته‌اند. بخش اعظم این مقدمه شصت صفحه‌ای را گزارشی از پژوهش‌های غربیان درباره تاریخ تدوین قرآن، اختلاف روایات اسلامی در ارائه گزارشی دقیق درباره این موضوع، دیدگاه شیعیان نخست در عصر ائمه درباره قرآن و جامعیت آن، و روایات تحریف قرآن در متون روایی کهن شیعه به خود اختصاص داده است. در بخش چهارم مقاله، امیرمزمزی و کلپرگ، به تفصیل، به معرفی سیاری و حیات وی می‌پردازند و در بخش پنجم، ساختار و محتوای کتاب القراءات سیاری را تجزیه و تحلیل می‌کنند. مشخصات کتاب‌شناختی مقاله مذکور چنین است:
- Mohammad Ali Amir-Moezzi & Etan Kohlberg, "Révélation et falsification: introduction à l'édition du *Kitāb al-Qirā'āt* d' al-Sayyārī", *Journal Asiatique* 293 ii (2005), pp. 663-722.

۷۰۷۹

۷۰۷۸



رسیده است، نشان می‌دهد این اثر را نباید در موضوع قرائات قرآن به معنای اصطلاحی آن دانست. اغلب این روایات، توضیحاتی تفسیری در باب آیات قرآن و مسائل مرتبط با جایگاه ائمه علیهم السلام است. البته گاه در لابه‌لای این روایات، مواردی یافت می‌شود که در آن نحوه خاصی از قرائت آیه به جای شیوه رایج آن توصیه شده است.<sup>۹۹</sup> بنابراین، مناسب‌تر می‌نماید این کتاب را بیشتر اثری تفسیری بدانیم که برخی از روایات آن را مفسران پس از وی در شمار اختلاف قرائات قرار داده‌اند.<sup>۱۰۰</sup>

#### کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- الأملی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه محمداقبر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- بشارة المصطفی، عمادالدین بن ابی‌القاسم طبری، تحقیق: جواد قیومی الاصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
- البيان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، بیروت: دارالزهراء، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- تاریخ القرآن، ابوعبدالله زنجانی، مقدمه: احمد امین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۹م.
- التیان فی تفسیر القرآن، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- التفسیر الأصغری، ملامحسن فیض کاشانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ش.
- تفسیر البحر المحیط، ابوحیان غرناطی (ابوعبدالله محمد بن یوسف علی بن یوسف)، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م.
- تفسیر الشهرستانی (مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار)، تاج‌الدین محمد بن عبدالکرم شهرستانی، تصحیح: محمدعلی آذرشب، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.
- التفسیر الصافی، ملامحسن فیض کاشانی، تحقیق: حسین الاعلمی، تهران: مکتبه الصدر، بی‌تا، قم: مؤسسة الیهادی، ۱۴۱۶ق.
- تفسیر الصنعانی، عبدالرزاق بن همام صنعانی، تحقیق: مصطفی محمد مسلم، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۱۰ق.

۹۹. علامه سید مرتضی عسکری در جلد سوم کتاب القرآن الکریم و روایات المدرستین با نقل عمده این روایات بر اساس نقل‌های نوری طبرسی در فصل الخطاب، به بررسی سندی و متنی آنها پرداخته و تمامی این روایات را مردود شمرده است.  
۱۰۰. سید محمداقبر حجتی (کشاف الفهارس و وصف المخطوطات العربیة فی مکتبات فارس، ص ۲۷۵-۲۷۸) از وجود پنج نسخه خطی این اثر در کتابخانه‌های داخل ایران خبر می‌دهد و ویژگی‌های هر یک را برمی‌شمارد.

- تفسیر العیاشی، ابونضر محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسول محلاتی، تهران: المکتبه العلمیة الاسلامیة، بی‌تا.
- تفسیر الفرات الکوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم فرات کوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (عمادالدین ابوالفداء اسماعیل قرشی)، مقدمه: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، نجف: ۱۳۸۷، قم: دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعة عروسی حویزی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، چاپ صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- الجامع لأحكام القرآن، ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، تصحیح: احمد عبدالعظیم البردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
- جوامع الجامع، امین‌الاسلام فضل بن حسن طبرسی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف ثعالبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، تهران: ۱۳۷۶ش.
- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، شیخ یوسف بحرانی، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
- خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۵- ۱۴۱۶ق.
- الدرالمستور فی التفسیر بالمأثور، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی، تحقیق: علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت: ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- زاد المسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی (ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- السرائر، ابن‌ادریس حلی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- سعد السعود، ابن طاووس (ابوالقاسم رضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر)، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ق، ۱۹۵۰م.
- علل الشرایع، ابوجعفر محمد بن حسن بن حسین صدوق، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.

۵۸۱

۵۸۰

- عبود اخيار الرضا شيخ صدوق، چاپ حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للطبوعات، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
- فتح البارى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلانى (شهاب الدين ابوالفضل احمد بن على)، چاپ بولاق، ۱۳۰۰ق، افست بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
- فقه القرآن، قطب الدين راوندى، تحقيق: سيد احمد هاشمى، قم: مكتبة آيةالله العظمى النجفى المرعشى، ۱۴۰۵ق.
- الفهرست، ابن النديم (ابوالفرج محمد بن ابى يعقوب)، تحقيق: رضا تجدد، تهران: ۱۳۵۰ش.
- الفهرست، ابوجعفر محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قىومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، ابوالعباس احمد بن على نجاشى، تحقيق: سيد موسى شبيرى زنجانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۰۷ق.
- القرآن الكريم و معالم المدرستين، سيد مرتضى عسكرى، تهران: مجمع العلمى الاسلامى، ۱۴۱۶ - ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۶ - ۱۹۹۹م.
- قراءات أهل البيت القرآنية، مجيب الرفيعة، قم: دارالغدير، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م.
- الكافي، ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلامية، ۱۳۸۸ق.
- كتاب العين، عبدالرحمن خليل بن احمد فراهيدى، تحقيق: مهدي المخزومى و ابراهيم السامرائى، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- كشاف الفهارس و وصف المخطوطات العربية فى مكاتبات فارس، تهران: سروش، ۱۳۷۰ش.
- الكشاف عن التنزيل و عبود الأوائل فى وجوه الأوائل، ابوالقاسم جلاله محمود بن عمر زمخشري، قاهره: مطبعة مصطفى البابى الحلبي، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.
- الكنى و الالقاب، شيخ عباس قمى، مقدمه: محمدهادى امينى، تهران: مكتبة الصدر، بی تا.
- لسان الميراث، ابن حجر عسقلانى (شهاب الدين ابوالفضل احمد بن على)، بيروت: مؤسسة الأعلمى، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
- مجمع البيان فى تفسير القرآن، امين الاسلام فضل بن حسن طبرسى، تحقيق: گروهى از علما و محققان، با مقدمه سيد محسن امين عاملى، مؤسسة الاعلمى للطبوعات، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، ابن عطية (ابومحمد بن عبدالحق بن غالب)، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
- مختصر بصائر الدرجات، حسن بن السليمان حلى، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۰م.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري طبرسى، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸م.
- المستدرک على الصحيحين، ابوعبدالله حاكم نيشابورى، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلى،

۵۰۸۲

بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.

- معانى القرآن الكريم، ابوجعفر احمد بن محمد بن اسماعيل بن يونس مرادى نخاس، تحقيق: محمد على الصابونى، مكة: جامعة أم القرى، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
- معجم رجال الحديث و تفصيل الرواة، سيد ابوالقاسم خويى، بی جا، پنجم، ۱۳۱۳ق / ۱۹۷۵م.
- مناقب آل ابى طالب ابن شهر آشوب (ابوعبدالله محمد بن على) نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.
- منهج الشيخ ابن جعفر الطوسى فى تفسير القرآن الكريم، كاصد ياسر الزيدى، بغداد: بيت الحكمة، ۲۰۰۴م.
- ميراث مكتوب شيعة از سه قرن نخستين هجرى، حسين مدرسى طباطبايى، ترجمه سيد على قرائى و رسول جعفریان، قم: كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران، ۱۳۸۳ش.
- «التبيان فى تفسير القرآن»، مرتضى كرمي نيا، دانشنامه جهان اسلام، زير نظر غلامعلى حداد عادل، ج ۶، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامى، ۱۳۸۰.
- «قراءات ائمه»، سهيلا شينى ميرزا، فصلنامه بينات، سال ۱۲، ش ۴، ش يابى ۴۸، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۱۱ - ۱۳۳.

- Meir M. Bar-Asher, "Variant readings and additions of the Imāmi-Šīa to the Quran", in *Israel Oriental Studies*, 13 (1993) pp. 39-74.
- Mohammad Ali Amir-Moezzi & Etan Kohlberg, "Révélation et falsification: introduction à l' édition du *Kitāb al- Qirā'at d' al-Sayyārī*", *Journal Asiatique* 293 ii (2005), pp. 663-722.

۵۰۸۲